

بررسی طرح‌های توسعه شهری از منظر رویکردهای دموکراتیک

داود کریم زاده^۱، زهره داودپور^{۲*} و سید محمد رضا خطیبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده:

امروزه دموکراسی به عنوان الگویی که دارای جاذبه و مشروعیت جهانی است به یک ایدئولوژی پاسخگو در مقیاس جهانی بدل شده است. بر همین اساس نظریه های شهرسازی نیز در جهت تطبیق و دستیابی به مشروعیت زمینه ای و محتوایی، در بنیان های دانشی خود تحولاتی همسو با نظریه نظریه های دموکراسی یافته اند. با این وجود سطوح نظری برنامه ریزی در ایران نتوانسته همسویی فکری و زمانی متناسب با تحولات پارادایمیک دموکراسی داشته باشد. پژوهش حاضر تلاش کرده از طریق شیوه تحلیلی توصیفی و روش فرا تحلیل و تحولات پارادایمی به بررسی و میزان همگرایی نظام برنامه ریزی شهری ایران با نظریه های دموکراسی بپردازد. در همین راستا با بهره گیری از ویژگی های ذاتی نظریه های دموکراتیک و بویژه نظریه اخیر دموکراسی شورایی لایه های مختلف نظام برنامه ریزی ایران و به عنوان نمونه طرح توسعه شهری مهاباد تحلیل شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل سه گروه هدف نخست ۵۰ نفر از ذی نفعان و کارشناسان مرتبط با طرح های توسعه شهری شناسایی و فرایند مصاحبه و پرسش انجام گرفته است. گروه دوم شامل ۲۵ نفر از مدیران شهری و گروه سوم ۱۴۰ نفر از شهروندان به طور تصادفی انتخاب و مورد آزمون قرار گرفته شده اند. داده های بدست آمده از پرسشنامه و مصاحبه در این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شده است. یافته های پژوهش در سه سطح (۱) ارتباط برنامه ریزی و دموکراسی در ایران، (۲) مقایسه ویژگی های نظریه پشتیبان طرح های توسعه شهری در انطباق با رویه های دموکراتیک، (۳) ارزیابی مراحل تهیه سند طرح های توسعه شهری، نشان می دهد که نه تنها از منظر نظریه ای انطباق فکری و همزمانی پارادایمی بین نظریه های دموکراسی و رویه های برنامه ریزی در ایران وجود نداشته بلکه در مراحل سه گانه فرایند، درونداد، برونداد طرح های توسعه شهری نیز هم افزایی چشمگیری با هنجارهای دموکراتیک نمود عینی پیدا نکرده است.

واژگان کلیدی: دموکراسی، نظریه برنامه ریزی، طرح های توسعه شهری، چارچوب ارزیابی دموکراتیک.

۱. دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

soran.ci@gmail.com

۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

z.davoudpour2@yahoo.com

۳. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

m.khatibi24@yahoo.com

The Review of Urban Development Plans from the Perspective of Democratic Theories

Davoud Karimzadeh¹, Zohre Davoudpour*² & Seyd Mohammadreza Khatibi³

Received: 2020-01-17

Accepted: 2020-04-20

Abstract

Nowadays, democracy as a paradigm that has universal appeal and legitimacy has become a responsive ideology on a global scale. We have recently seen significant improvements in the field of democracy paradigms. Accordingly, urban planning theories have also developed in line with theories of democracy in order to accommodate contextual and substantive legitimacy. However, theoretical levels of planning in Iran have not been able to match the appropriate intellectual and temporal alignment with the paradigm shifts in democracy. The present study has attempted to evaluate the degree of convergence of Iran's urban planning system with theories of democracy by using a descriptive-analytical method and a meta-analysis. In this regard, an attempt has been made to use the main features of democratic theories and especially the recent theory of deliberative democracy, to analyze the different layers of urban development plans in Iran and as a case study the development plan of Mahabad city. The statistical population of this study includes three target groups; first, 50 stakeholders and experts related to Mahabad city development plans have been selected to identify existing procedures and the interview and questioning process has been done. The second group, consisting of 25 city managers, and the third group, 140 citizens, were randomly selected and tested. Findings of research in three levels include; 1) Relationship between planning and democracy in Iran, 2) Comparison of theoretical attributes of urban development plans in accordance with democratic procedures, 3) Evaluation of the steps of preparing the document of urban development plans, shows not only there are no paradigm symmetry between theories of democracy and content and procedure's Iran planning, but also It has not found at the three stages of the process, outputs and outcomes.

Keywords: Democracy, Planning Theory, Urban Development Plans, Democratic Evaluation Framework.

1. Ph.D. Student of Urban Planning, Department of Architect & Urban planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. soran.ci@gmail.com

2. Associate Professor Urban Planning, Department of Architect & Urban planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. z.davoudpour@yahoo.com

3. Assistant Professor Urban Planning, Department of Architect & Urban planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. khatibimohammadreza@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

طی چند دهه اخیر تحولات فکری مشخصی در اندیشه برنامه‌ریزی رخ داده است، به طوری که رویه‌های دموکراتیک^۱ به عنوان هسته اصلی بیشتر شیوه‌های برنامه‌ریزی^۲ مطرح بوده است. چالش اصلی برنامه‌ریزی دموکراتیک در وهله اول پرداختن به مشروعیت ماهیت برنامه‌ریزی و ایجاد بستری برای حضورپذیری مردم در بطن فرایندهای تصمیم‌سازی است. آنچه در این حوزه اهمیت دارد، درک این واقعیت است که همسویی با رویه‌های دموکراتیک به کنترل و دروندادهای مطلوب‌تری در بیشتر مسائل به‌ویژه در حوزه اجتماعی منجر شده است. اما با وجود تلاش‌های نظام‌یافته برای استقرار رویه‌های دموکراتیک در برنامه‌ریزی معاصر، کماکان شاهد ظهور الگوهای برنامه‌ریزی آمرانه، فن‌سالارانه و بی‌توجهی به صاحبان اصلی شهرها هستیم. بر همین اساس به نظر می‌رسد در ایران نیز اساساً «ماهیت، معنا و مفهوم برنامه‌ریزی قلب شده است. یعنی برنامه‌ریزی به‌جای آنکه در انطباق با ویژگی‌های زمینه و متنی که باید در آن رخ دهد، با نادیده گرفتن شرایط زمینه‌ای، در واقع خود را نادیده گرفته است» (ترکمه، ۱۳۹۴: ۱۰). از طرفی به‌واسطه این واقعیت که تکامل برنامه‌ریزی در یک جریان همبسته با حضور دموکراسی صورت می‌گیرد، پرداختن به بنیان‌های فکری و فرهنگی دموکراسی در جامعه ایرانی و به‌ویژه در بطن نظام برنامه‌ریزی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

الگوی طرح‌های توسعه شهری فعلی ذاتاً دارای ویژگی‌هایی است که ارتباط تنگاتنگی با نظام تصمیم‌گیری و شرایط مشارکت ذی‌نفعان دارد، اما مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که اساساً این طرح‌ها بر ریشه‌های قدیمی طرح جامع استوار بوده و اصولاً تغییری در محتوا و رویه اتفاق نیافته و کماکان موانعی جدی بر سر راه اجرای این الگو وجود دارد که ماهیت و مشروعیت آن را خدشه‌دار کرده است. به طوری که الگوی فعلی نتوانسته است در مبانی فکری خود روح دموکراسی را بنیان نهد و پیوند آن با برنامه‌ریزی را محقق کند. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا با بازخوانی رویه‌های دموکراتیک و ارتباط آن با تکامل نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری به بررسی طرح‌های توسعه شهری در ایران پرداخته شود. یکی از چالش‌های اصلی این پژوهش تعیین معیارهای معتبر و مستدل بوده، که سعی شده است تا از طریق تحلیل گفتمان در سیر تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی و تئوری‌های دموکراسی به‌ویژه تئوری‌های اخیر برنامه‌ریزی ارتباطی و برنامه‌ریزی آگونیستی به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش معیارهای مدنظر استخراج شود.

اهمیت و ضرورت موضوع

در ایران بیش از هفتادسال از وارد شدن مقولۀ برنامه‌ریزی می‌گذرد. نخستین برنامه برای شهرها با رویکرد ساده-جامع تحت عنوان طرح جامع شهر در اواسط دههٔ چهل شمسی تهیه شد. این رخداد مصادف بود با هنگامی که این رویکرد در اروپا جای خود را به رویکردهای نوین چون عقلانی-جامع و سیستمی-چرخه‌ای می‌داد. با گذشت این زمان طولانی، پژوهش‌های مختلف در ایران (کمیت‌پژوهش توسعه شهری، ۱۳۸۷؛ شارمند، ۱۳۸۲) نمایانگر آن بوده‌اند که این برنامه‌ها نسبت به هزینه‌هایی که در بر می‌گرفتند، فواید قابل‌توجهی نداشته و اساساً توسعه شهری در ایران تاکنون به‌شدت دولت‌محور بوده و این موضوع تمامی فرایندهای طراحی، اجرا و حتی هویت اقتصادی و فرهنگی شهرها را نیز در بر گرفته است. این برنامه‌ها گرچه دستاورد مناسبی داشتند اما انتظارات را برآورده نکردند و در زمینه‌ای همبسته با رویه‌های دموکراتیک بسط نیافته‌اند. مطالعات بی‌شماری از ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری در حکومت‌های مرکزگرا، روش‌های برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری بی‌ثمر و استراتژی‌های توسعه شهری نابجا حکایت دارد (آموس^۱، ۱۹۸۶؛ عزیزی، ۱۹۹۵؛ استیونس^۲، ۲۰۱۳).

برنامه‌های توسعه شهری فعلی در چارچوب اسناد بالادستی خود تدوین شده و در راستای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خود تهیه شده‌اند. باوجوداین، فقدان ارزیابی‌های جامع که هم بتواند در سطح نظریه‌ای و هم در سطوح ساختاری، نظام برنامه‌ریزی را تحلیل و بازخوردهای سازنده تولید کند، سبب شد تا تلاش شود متناسب با ساختار سیاسی اجتماعی و بسترهای موجود نظام برنامه‌ریزی ایران به چالش کشیده شود. ارزیابی برنامه‌ریزی عملی پیچیده و مشکل و درعین‌حال نیازی ضروری برای بهبود کارایی و عملکرد ساختار برنامه‌ریزی است. ارزیابی می‌تواند عمل برنامه‌ریزی و رویه‌های آن را مشروع و قابل دفاع کرده و به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این امکان را می‌دهد تا در فرایندهای پیچیدهٔ تصمیم‌گیری با پشتوانه نتایج آن بهتر عمل کنند. همچنین ارزیابی محتوای طرح‌های توسعه شهری ساختار نظام برنامه‌ریزی را در یک فرایند یادگیری مستمر قرار خواهد داد (الوبریا و پینو^۳، ۲۰۱۰). ضرورت کاوش در پیوند بین دموکراسی و برنامه‌ریزی پیش‌فرضی بود تا هدف اصلی این پژوهش را پرداختن به بنیان‌های دموکراتیک در طرح‌های توسعه شهری قرار داده و بر مبنای آن پارادایم‌های حاکم بر نظام برنامه‌ریزی جهانی و ارتباط الگوی طرح‌های توسعه شهری (عمل برنامه‌ریزی) با اندیشه دموکراسی بررسی شود.

1 Amos

2 Stevens

3 Oliveria And Pinho

در دهه‌های اخیر تلاش‌های زیادی به منظور ارزیابی‌های جامع صورت گرفته است، اما تمرکز اکثر آن‌ها بر ارزیابی فرایندهای برنامه‌ریزی بوده و به‌رغم اهمیت بنیان‌های دموکراسی شورایی در برنامه‌ریزی، تنها معیار مشارکت مقوله اصلی تحلیل‌ها بوده است. در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی همه مراحل برنامه‌ریزی و با تمرکز بر ویژگی‌های دموکراسی شورایی که مشارکت بخشی از آن است، سازوکاری برای پاسخگویی و مشروعیت عمل برنامه‌ریزی فراهم شود. از مزیت‌های این سازوکار در قیاس با دیگر نمونه‌ها، می‌توان به ماهیت دموکراتیک بودن آن بر مبنای اندیشه نظریه‌های نوین برنامه‌ریزی در مقیاس جهانی اشاره کرد. نتایج این پژوهش، این آلترناتیو را به محققین می‌دهد تا میزان یک هنجار دموکراتیک را در مراحل مختلف (فرایند، برون‌داد و برآمد) نظام برنامه‌ریزی را بر مبنای بازخوردهای آن سنجیده و نه تنها مشروعیت و عدالت اجتماعی را در فرایندهای طرح‌های توسعه شهری ایران جاری، بلکه کارایی و شمول تصمیمات اتخاذشده را با هدف هم‌افزایی بنیان‌های اجتماعی پی‌ریزی کنند.

پیشینه تحقیق

مروری بر پیشینه تحقیق حاکی از آن است که بیشتر مطالعات انجام‌گرفته بر روی ارزیابی طرح‌های توسعه شهری بر یک مرحله از نظام برنامه‌ریزی و عمدتاً مرحله اجرا تأکید داشته‌اند. به‌عبارتی در به چالش کشیدن محتوای نظام برنامه‌ریزی از منظر یک پارادایم فکری غالب غافل مانده‌اند. باوجوداین، ارزیابی‌های دموکراتیک مبتنی بر چارچوب‌های ارزیابی در علوم سیاسی شکل گرفته است، که برای نخستین بار یکی از این چارچوب‌ها توسط اگر و لافگران^۱ (۲۰۰۶) و بر اساس دیدگاه دال^۲ (۱۹۸۹) از شیوه‌های دموکراتیک شکل گرفت. از سوی هاوس و هو^۳ (۲۰۰۰) برای اولین بار و به‌صورت جدی به بحث چگونگی نقش ارزیابی در دستیابی به جامعه‌ای دموکراتیک پرداخته‌اند و به دنبال آن‌ها مطالعاتی برای تعریف و تدوین چارچوب‌های ارزیابی دموکراتیک شکل گرفته است (هانبرگر و ناتسن^۴، ۲۰۱۰). لاریان^۵ و شاو (۲۰۰۹) بر چهار شیوه اصلی ارتباط با نهادهای دموکراتیک - ارزیابی دموکراسی از طریق پیامدهای آن - ارزیابی دموکراسی از طریق انگاره‌های اصلی دموکراسی و آرمان آن، در ارزیابی دموکراتیک تأکید کردند. در این حوزه فرام^۶ (۲۰۰۴) یکی از جامع‌ترین چارچوب‌ها و معیارهای ارزیابی شیوه برنامه‌ریزی را مطرح کرد. این چارچوب مشتمل بود بر ۱۴ معیار فرایند که ویژگی‌های طراحی یک

1 Agger and Lofgren

2 Dahl

3 House And howe

4 Hanberger and Knutsen

5 Laurian and Shaw

6 Fram

فرایند مطلوب را تبیین می‌کرد و نیز ۱۱ معیار مرتبط با نتایج طرح که اهداف مطلوب طرح را تعریف می‌کرد. با وجود این، یکی از پرکاربردترین شاخص‌های سنجش دموکراسی در پژوهش‌های دانشگاهی معاصر شاخص FHI^۱ است (ناتسن، ۲۰۱۰). این شاخص در یک مقیاس بین ۱ تا ۷ طیف‌بندی شده است که در دو بُعد حقوق سیاسی^۲ و آزادی مدنی^۳ سنجیده می‌شود.

در مورد بررسی و ارزیابی در نظام برنامه‌ریزی ایران پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است اما همان‌طور که گفته شد در بیشتر موارد بر روی محصول نظام برنامه‌ریزی که همانا طرح‌های توسعه شهری بوده، تمرکز شده که عمدتاً بر عدم تحقق‌پذیری طرح‌های جامع و تفصیلی متمرکز بوده‌اند. یکی از اولین بررسی‌های انجام‌شده در مورد نظارت و ارزیابی در برنامه توسعه توسط دکتر نفیسی و برای برنامه اول قبل از انقلاب بوده است. در بخش کوچکی از این گزارش به مشکل نظارت و ارزیابی در برنامه اول توسعه و ضرورت تدوین ساختار مناسب نظارتی پرداخته شده است (نفیسی، ۱۳۲۶).

باین حال، از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در زمینه ارزیابی محتوایی طرح‌های جامع شهری، طرح ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری در ایران بوده که توسط مهندسین مشاور زیستا انجام گرفته است (زیستا، ۱۳۷۲). عبادی و همکاران نیز در سال ۱۳۹۶ به آسیب‌شناسی جایگاه نظارت و ارزیابی در برنامه‌ریزی توسعه ایران پرداخته و به محدود شدن شیوه نظارت در روش گزارش‌دهی و عدم ثبات ساختار وابسته به نهاد ناظر اشاره کرده است (عبادی و رضایی، ۱۳۹۶). وحیدی و همکاران نیز در مقاله‌ای به شیوه برنامه‌ریزی توسعه در ایران و علل عدم تحقق طرح‌های توسعه شهری ایران از منظر نظریه زمینه‌ای پرداخته‌اند. آن‌ها بر این باور هستند که عواملی همچون «عدم قابلیت اسناد طرح» و «مشکلات نظام و تشکیلات شهرسازی» از دلایل اصلی عدم کارایی نظام برنامه‌ریزی کشور است (وحیدی، ۱۳۹۶). از طرفی ترکمه (۱۳۹۴) از طریق گفت‌وگو با پراگماتیک به عدم تکوین برنامه‌ریزی در پیوند با دموکراسی پرداخته و در پی آن است تا با نگاهی رادیکال به‌طور عام به چپستی و معنا و مفهوم گفت‌وگو برنامه‌ریزی در دوران کنونی بپردازد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که در بیشتر موارد به‌رغم اهمیت بنیان‌های نظری برنامه‌ریزی و بستری که برنامه‌ریزی در آن رخ می‌دهد، به بررسی و ارزیابی نتایج اجرای طرح‌های توسعه شهری با شرح خدمات یکسان بسنده شده است.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

سیر تحول نظریات برنامه‌ریزی در پیوند با نظریه‌های دموکراسی

1 Freedom House Index
2 Political Rights
3 Civil Liberties

دموکراسی در معنای محدودتر و کمینه‌گرایانه‌تر، حاکی از یک نظام حکومتی است که در آن قدرت در دست صاحب‌منصبانی باشد که با انتخابات آزاد برگزیده شده‌اند (رورتی^۱، ۱۳۸۵: ۳۸۹). رورتی دموکراسی به این مفهوم را قانون مداری^۲ می‌نامد. اما دموکراسی در معنای گسترده‌تر، که مدنظر تحقیق حاضر است، حاکی از یک آرمان اجتماعی، تساوی فرصت‌ها و برابری در برخورداری از امکانات است. دموکراسی غربی را می‌توان به‌واسطه تنش بین دو نوع منطق خاص توصیف کرد: یکی بر مبنای حقوق فردی و حکومت قانونی و دیگری بر اساس تساوی شهروندان در قلمرو عمومی، که می‌توان اولی را در مدل انجمنی دموکراسی و دیگری را در مدل شورایی دموکراسی دسته‌بندی کرد. باوجوداین، دموکراسی شورایی به‌عنوان بدیلی برای دموکراسی انجمنی و مستقیم مطرح شده است. این نظریه یک قدم فراتر از ملزومات مشارکت برداشته است و بر اساس آن تنها از طریق گفت‌وگو بین شهروندان مستقل و برابر است که دموکراسی واقعی قابل حصول است (هانبرگر^۳، ۲۰۰۶: ۲۳). از دیدگاه نظریه دموکراسی شورایی^۴، اگر نظام‌های دموکراتیک خواستار ماندگاری مشروعیت خود هستند باید فرایندهای تصمیم‌گیری توسط افراد ذی‌نفع، با دلایل کافی مورد پذیرش و تصدیق قرار گیرند (کینگ^۵، ۲۰۰۳: ۲۵). نظام شورایی روش جدیدی برای افزایش میزان مشروعیت^۶، شمول^۷ و نیابت^۸ را مطرح می‌کند (مندونچا^۹، ۲۰۰۸؛ پارکینسون^{۱۰}، ۲۰۰۶).

اولین نسل از نظریه دموکراسی شورایی با مدنظر قرار دادن استدلال هنجاری^{۱۱} خود نظریه مرتبط بوده و مفهوم وفاق از طریق یکی کردن دیدگاه‌های مختلف نقش اصلی را دارد (الستاب^{۱۲}، ۲۰۱۰: ۲۹۸). نسل دوم: از زبان منطق فاصله گرفته و به سمت تعامل دوطرفه و متقابل تمایل پیدا کرد (مانسبریج^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۰) و به پذیرش دیدگاه‌ها از طرف عموم معتقد است. محققان نسل دوم مانند درزیک و یانگ نظریه دموکراسی شورایی را در ارتباط نزدیکی با حوزه‌های دیگری نظیر فمینیسم، چند فرهنگی و سیاست‌های زیست‌محیطی قرار دادند. محققان این حوزه در پی گسترش بخش‌هایی از بنیان‌های این حوزه بودند که بر شیوه‌های مشارکتی مختلف نظیر هم‌اندیشی شهروندان، واحدهای برنامه‌ریزی، کنفرانس‌های اجماع‌محور و بودجه‌ریزی مشارکتی مبتنی باشد (الستاب، ۲۰۱۷: ۴). نسل سوم: یک قدم

1 Rorety

2 Constitutionalism

3 Hanberger

4 Deliberative Democratic Theory

5 King

6 Legitimacy

7 Inclusion

8 Representation

9 Mendonça

10 Parkinson

11 Nnative justification

12 Elstub

13 Mansbrdge

فراتر نهاده و فرایند شور و مشورت در آن با «موفقیت» تعبیر شده، حتی زمانی که طرفین درگیر تنها از خواست و باورهای خود طرفداری کرده و به خاطر آن استدلال عمومی با هدف تصمیم سازی، شکل مذاکره شدید به خود گرفته باشد (بکلاند و مانتیسالو^۱، ۲۰۱۰: ۳۴۴). ارتباط بر مبنای دیدگاه‌های متنوع در تصمیم سازی را مدنظر قرار می‌دهد. محققان نسل سوم علاوه بر اجرایی کردن فرایندهای شور و مشورت در حیطه سیاست‌های زندگی واقعی، بیشتر در جستجوی روش‌ها و معیارهای متناسب با تشکیل نهادهای مشارکتی در قالب یک نظام شورایی بودند (درزیک^۲، ۲۰۱۰؛ مانسبریج^۳، ۲۰۱۲؛ چامبرز^۴، ۲۰۰۹؛ تامسون^۵، ۲۰۰۸). نسل چهارم: در این نسل برای افزایش میزان مشروعیت، شمول و نیابت از «بنیان‌های هنجاری قوی نسل اول»، «امکان‌پذیری نهادی نسل دوم» و «نظام شورایی نسل سوم» استفاده کرده است (مندوچا^۶، ۲۰۰۸؛ پارکینسون، ۲۰۰۶).

جدول ۱. سیر تحول نظریه دموکراسی شورایی

نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
ایده اصلی	توجه هنجاری دموکراسی شورایی	ترکیبی از هابرماس و راولس همراه با الزامات عملی	شکل گرفتن نظام شورایی منتج از سه نسل قبل
شور و مشورت به‌عنوان...	استدلال همگانی که به‌واسطه یکی کردن دیدگاه‌ها اتخاذ می‌شود.	ارتباطی که بر مبنای آن دیدگاه‌ها از طرف عموم مورد تصدیق قرار گیرد.	ارتباطی که بر مبنای آن دیدگاه‌های مخالف و متعارض به‌عنوان فرصت دیده می‌شود.
اساس و مبنای مشروعیت	وفاق	تصدیق همگانی (به‌عنوان مثال: سازش در ناسازگاری، تعامل دوطرفه)	نحوه عمل فرایند شور و مشورت و ارزیابی میزان کیفیت این فرایند
نظریه پردازان اصلی	هابرماس؛ راولس	گاتمن و تامسون؛ باهمن	مانسبریج؛ موفه
		بیبیر و بارتلت؛ او فلاین؛ هندریکس	

منبع: مانتیسالو^۶، ۲۰۱۶، و با اضافات نگارنده

موفه این نظریه نسل چهارم را نظریه «اگونیسیم» یا «دموکراسی مجادله‌ای» می‌خواند. که در پی حل و فصل تنش بین مدل‌های انجمنی و شورایی است و هر دوی این مدل‌ها را به‌عنوان تفسیرهای مشروع از رفتار دموکراتیک تصدیق می‌کند که بر مبنای آن دیدگاه‌های مخالف و متعارض به‌عنوان فرصت شناخته می‌شود (بکلاند و مانتیسالو، ۲۰۱۰: ۳۴۲).

1 Bäcklund and Mäntysalo

2 Dryzek

3 Mansbridge

4 Chambers

5 Thompson

6 Mäntysalo

در این میان و همسو با نظریه‌های دموکراسی در حوزه نظریه‌های برنامه‌ریزی نیز تحولاتی اتفاق افتاد. نظریه برنامه‌ریزی همواره عرصه‌ای نامتعیین بوده (آلمندینگر و جونس، ۲۰۰۲). تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی رویکرد غالب در برنامه‌ریزی، نظریه برنامه‌ریزی مبتنی بر عقلایی‌گرایی^۱ یا رویکرد فنی-ابزاری^۲ بود که به‌طور عمده با اتکا بر دانش فنی برنامه‌ریزان و ابزار و روش‌های علمی شکل می‌گرفت (بهزادنسب و افتخاری، ۱۳۸۳؛ ۲). یکی از عقاید مرسوم برنامه‌ریزی خردگرا وجود تفاوت آشکار بین عقاید شهروندان و دانش برنامه‌ریزان است (نیومن، ۲۰۰۵: ۱۸۶). علاوه بر این اکثر روش‌های مشارکت در این مدل منطقی همچون استماع عمومی^۳، نظر عموم بر پروژه‌ها و ... فرصت‌های معدودی را برای یادگیری دوطرفه مهیا می‌سازد (اینس و بوهر، ۲۰۰۰). نقش دموکراسی در این نوع برنامه‌ریزی تنها به‌صورت مشارکت جزئی دیده شده و فرایندهای شور و مشورت در آن جایگاهی نداشته و برنامه توسط مشاورین و مبتنی بر اصول فنی تهیه می‌شود. پس از آن یکی از قدرتمندترین نقدهایی که از منظر توسعه‌تئوریک برنامه‌ریزی بر برنامه‌ریزی جامع-خردگرا واقع شد، توسط لیندبلوم در مقاله‌ای تحت عنوان «دانش خروج از اغتشاش» در سال ۱۹۵۹ ارائه شد (لیندبلوم، ۱۹۵۹). رهیافت اندک‌افزای^۴ برنامه‌ریزی توافق و هم‌رأی، منافع متضاد را به‌وسیله «تعدیل متقابل حزبی» انجام می‌دهد. تعدیل متقابل حزبی بر اساس نوآوری نظریه‌ای رهیافت اندک‌افزای برنامه‌ریزی است که یک روش از چانه‌زنی و سازش میان گروه‌های ذی‌نفع را در ارتباط با چالش‌های برنامه‌ریزی مطرح می‌کند (مانتیسالو، ۲۰۰۵: ۶). برنامه‌ریزی اندک‌افزای لیندبلوم یک مدل انجمنی از دموکراسی را به‌کار می‌گیرد. اساساً در دموکراسی انجمنی، انگیزه هر گروه در جهت ارتقای منافع عمومی گروه بوده و مقوله رأی‌گیری به‌عنوان ابزار اصلی در فرایند تصمیم‌سازی سیاسی محسوب می‌شود. در این بین، ساگر (ساگر، ۱۹۹۴) حامیان برنامه‌ریزی اندک‌افزای را به خاطر محدودیت‌هایی در درک برنامه‌ریزی ارتباطی مورد انتقاد قرار داد. این انتقادها از یک تغییر در مفهوم دموکراسی حکایت داشت. لذا نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی ارتباطی مدل انجمنی دموکراسی را رها کرده و به سمت دموکراسی شورایی که منشأ اصلی انتقادهایشان نسبت به هر دو نظریه‌های برنامه‌ریزی خردگرا و اندک‌افزا بود، تمایل پیدا کردند (بکلاند و مانتیسالو، ۲۰۱۰: ۳۴۰). در این نظریه تصمیم‌گیری اقتدارگرایانه جای خود را به وضعیتی دموکراتیک می‌دهد که در آن تصمیم‌گیری به‌نحوی گفتمانی و به‌گونه‌ای که مورد توافق مشارکت‌کنندگان است، صورت می‌پذیرد. در این نظریه دموکراسی نیز به‌عنوان نوعی اجماع مبتنی بر انگیزه عقلانی و ملتزم به گفتمان صورت‌بندی

1 Rationalism

2 Instrumental – technical approach

3 Public hearings

4 Incrementalism

5 Sager

می شود (هیلیر^۱، ۲۰۰۲: ۴۵). ازسویی منتقدان بر این باورند که تناسب بین قدرت و کنش ارتباطی در نظریه هابرماس دارای نقص و کم‌وکاستی است و قابلیت سازوکارهای قدرت را در جهت عدم دستیابی به وفاق مدنظر قرار نمی‌دهد (مانتیسالو و راجانیمی، ۲۰۰۳: ۱۲۷). لذا جستجو برای یک مدل جدید از دموکراسی که فارغ از محدودیت‌های دموکراسی شورایی (که اساس برنامه‌ریزی ارتباطی بر آن استوار است) شروع شد که می‌توانست سرچشمه‌ای برای آغاز یک نظریه برنامه‌ریزی نوظهور باشد (بلکلاند و مانتیسالو، ۲۰۱۰: ۳۴۱). بر همین اساس، نظریه برنامه‌ریزی مجادله‌ای (اگونستی) بر مبنای مدل دموکراسی مجادله‌ای موفه با هدف حل و فصل تنش بین مدل‌های انجمنی و شورایی که هر دوی این مدل‌ها را به‌عنوان تفسیرهای مشروع از رفتار دموکراتیک تصدیق می‌کند (بلکلاند و مانتیسالو، ۲۰۱۰: ۳۴۲)، درحال ظهور است. این نوع برنامه‌ریزی درواقع به‌جای حذف تفاوت‌ها در ارزش‌ها و مفاهیم مشارکت مربوط به برنامه‌ریزی ارتباطی، سعی می‌کند از ارزش‌ها به‌عنوان محرک‌هایی برای رسیدن به اجماع بهتر بهره‌گیرد (هیلیر، ۲۰۰۳؛ گاندر^۲، ۲۰۰۳؛ فلیوبجرگ^۳، ۱۹۹۸). مجادله یک مخالفت جدانشدنی در معنا و عمل سیاسی محسوب می‌شود، به‌طوری‌که هیچ‌کدام از طرفین مشروعیت بیان عقیده دیگران را نفی نمی‌کنند. طرف‌های ناسازگار و مخالفین درواقع نه به‌عنوان دشمن بلکه رقیب محسوب می‌شوند (موفه^۴، ۲۰۰۰: ۷-۸). برنامه‌ریزی مجادله‌ای را می‌توان به‌عنوان یک سازوکار پاسخگویی دموکراتیک تصور کرد که در خلال آن ناسازگاری‌های موجود از طریق حضور همه گروه‌های ذی‌نفع در فرایند تصمیم‌سازی مرتفع شوند (هیلیر، ۲۰۰۲؛ موفه، ۲۰۰۰؛ پلوگر^۵، ۲۰۰۴؛ پرسل^۶، ۲۰۰۹). درواقع به‌جای اجماع بی‌نقص منتج از ارتباط، لزوم وجود تنازع در فرایندهای برنامه‌ریزی از ایده‌های اصلی این نوع برنامه‌ریزی محسوب می‌شود.

جدول ۲. تکامل نظریه هابیرنامه‌ریزی شهری در ارتباط با تحولات نظری دموکراسی

اهداف و آماج	سطح دموکراسی	ایدئولوژی فکری	نظریه برنامه‌ریزی
نظم کالبدی	دموکراسی انجمنی	خردگرایی	نظریه خردگرایی
تطبيق مشروط متوالی 7	دموکراسی انجمنی	تعديل متقابل حزبی	نظریه اندک‌افزایی
وفاق از طریق رویه‌های عقلایی-ارتباطی	دموکراسی شورایی	کنش ارتباطی	نظریه ارتباطی
عرضه‌های شورایی برای شهروندان به‌عنوان رقیبان برحق	دموکراسی مجادله‌ای	مناقشه و مصالحه	نظریه مجادله‌ای

منبع: یافته‌های تحقیق.

- 1 Hillier
- 2 Gunder
- 3 Flyvbjerg
- 4 Mouffe
- 5 Ploger
- 6 Purcell
- 7 successive limited comparisons

چارچوب ارزیابی مورد استفاده در این پژوهش

روش‌های ارزیابی به صورت متعارف تاکنون در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، مورد استفاده قرار گرفته است. این روش‌ها را می‌توان به دو گروه کلی روش‌های ارزیابی جامع و جزئی تقسیم‌بندی کرد. از سویی، در زمینه جامع بودن چارچوب از روش ارزیابی، طرح/فرایند/نتایج^۱ به عنوان یکی از روش‌های جامع و هم‌پیوند با نظریه ارزیابی برنامه‌ریزی، یاد شده است. این روش تاکنون برای طرح‌های راهبردی مورد استفاده قرار گرفته است (فالودی^۲، ۲۰۰۰). به‌طور کلی بیشتر چارچوب‌های موجود بر هنجارهایی همچون دسترسی، شمولیت و مشارکت، شور و مشورت جمعی، اجماع دموکراتیک، مسئولیت‌پذیری و ارتقای هویت‌های دموکراتیک استوار بوده‌اند. از طرفی اغلب چارچوب‌های فعلی بر ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی و به‌ویژه مشارکت متمرکز شده‌اند. اما در این پژوهش تلاش شده است تا در مرحله نخست با شناخت و تحلیل نظریه‌های رایج در ایران و جهان چارچوب ارزیابی متناسب با وضعیت کنونی نظام برنامه‌ریزی ایران و متقابلاً طرح‌های مستخرج از آن ارائه شود. لذا چهار مرحله زیر دنبال شده است: (۱) بررسی تطور نظریه‌های برنامه‌ریزی و دموکراسی در یک روند همبسته با هم (۲) بررسی خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی برنامه‌ریزی ارتباطی و مجادله‌ای به عنوان پارادایم‌های همسو با نظریه دموکراسی شورایی، (۳) استخراج یک چارچوب ارزیابی عمومی از پژوهش‌های مختلف انجام‌گرفته و تجربیات جهانی، (۴) ارائه چارچوب ارزیابی مبتنی بر روش‌های برنامه‌ریزی غالب همراه با معیارها و شاخص‌های دموکراتیک.

چارچوب ارزیابی این پژوهش با روش ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی/برونداد/برآمد، به عنوان چارچوبی جامع در مطالعات ارزیابی طرح‌های توسعه شهری منطبق با شکل (۱) ارائه شده است.

شکل ۱. روش ارزیابی فرایند/برونداد/برآمد (منبع: نگارنده)

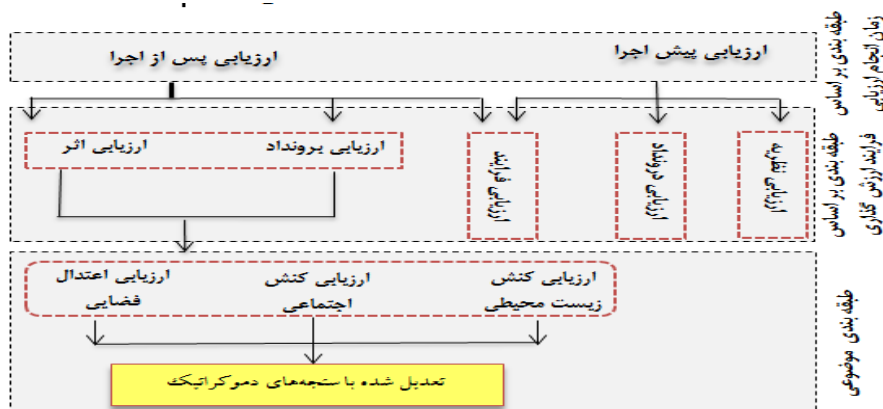


چارچوب ارزیابی مورد استفاده در این پژوهش در مقیاس‌های عملکردی متفاوت و با ترکیبی منطقی از طبقه‌بندی‌های معتبر و هم‌پیوند با نظریه‌های نوین برنامه‌ریزی ارائه شده است (شکل ۲).

1 Plan, Process and Results (PPR)

2 Faludi

شکل ۲. چارچوب ارزیابی دموکراتیک طراحی شده (منبع: یافته های تحقیق)



به عبارتی سعی شده است تا چارچوب مدنظر این پژوهش مبتنی بر ایدئال‌های موجود در ادبیات دموکراسی شهری، برنامه‌ریزی آگونیستی و اصولی که بر وفاق به‌جای روابط قدرت تأکید دارند، تدوین شود. لذا در مرحله اول (شکل ۲) که عبارت است از ارزیابی بر اساس فرآیند ارزش‌گذاری از ۶ معیار: شور و مشورت عمومی^۱، دسترسی^۲، دربرگیرندگی^۳، مشروعیت^۴، هویت سیاسی^۵ و پایداری^۶ و ۱۸ شاخص مرتبط با آن به‌منظور سنجش میزان همگرایی مراحل سه‌گانه فرایند، برونداد و برآمد نظام برنامه‌ریزی ایران بهره گرفته شده است (جدول شماره ۳). شاخص و معیارهای اصلی ارزیابی این پژوهش از مطالعه چارچوب نظری این پژوهش و منطبق با هنجارهای دموکراتیک حاکم بر نظریه هایبرنامه‌ریزی آگونیستی و ارتباطی که در مبانی نظری شرح آن رفت، استخراج شد. سپس برای انطباق با شرایط زمینه‌ای ایران از طریق مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران، بومی‌سازی و تدقیق شد. درنهایت اهمیت و کاربست هر معیار و شاخص با به‌کارگیری پرسشنامه توسط متولیان اصلی برنامه‌های جامع توسعه شهری در مهاباد ارزیابی شد.

- 1 Public Deliberation
- 2 Acces
- 3 Inclusion
- 4 Legitamacy
- 5 Political Identity
- 6 Sustainability

جدول ۳. متغیرها و شاخص‌های چارچوب ارزیابی دموکراتیک در این پژوهش

متغیر	حوزه ارزیابی	شاخص	تکنیک‌های ارزیابی / منابع داده
شور و مشورت عمومی	فرایند برنامه‌ریزی - برونداد- برآمد	مشارکت فراگیری (یادگیری) در اجتماع ارتباطات جمعی - مجادله	-مطالعه طرح (خصوصاً گزارش‌های مشارکتی)
			ماتریس اثرات (پیشنهادهاى گوناگون طرح)
			پرسشنامه -مصاحبه
دسترسی	فرایند برنامه‌ریزی - برونداد- برآمد	دسترسی به اطلاعات دسترسی به خدمات شهری دمکراسی مجازی ^۱	مطالعه طرح (تحلیل نقشه‌ای)
			ماتریس اثرات (اجرای طرح)
			مصاحبه - پرسشنامه پورتال و گروه‌های مجازی
درب‌گیرندگی (شمول)	فرایند برنامه‌ریزی - برونداد- برآمد	درب‌گیرنده همه ذینفعان شهری-انعطاف برای گروه‌های مختلف اجتماع	-مطالعه طرح‌های سطوح پایین‌تر (خصوصاً گزارش‌های مشارکتی آن)
			مصاحبه - پرسشنامه
			ضوابط و مقررات طرح
مشروعیت - درجه اعتبار	فرایند برنامه‌ریزی - برونداد- برآمد	همسویی با قوانین حاکم ارتباطات جمعی - مجادله‌ای حقوق شهروندی	-مطالعه طرح و چارچوب احکام قانونی طرح
			-مطالعه گزارش‌های مشارکتی
			- مصاحبه - پرسشنامه
هویت سیاسی	فرایند برنامه‌ریزی - برونداد- برآمد	-تابعیت نظام حکمرانی -ظرفیت‌سازی نهادی - شفافیت قوانین	- مطالعه طرح (قوانین و ضوابط)
			- مصاحبه - پرسشنامه
پایداری	فرایند برنامه‌ریزی - برونداد- برآمد	- پایداری زیست‌محیطی - پایداری قوانین - پایداری اقتصادی -پایداری اجتماعی	مطالعه طرح (خصوصاً گزارش‌های زیست‌محیطی)
			مطالعه دیگر اسناد شهری (بودجه‌های شهرداری - برنامه‌های عمل)
			ماتریس اثرات (مکان‌یابی -سراهنای پیش‌بینی شده و موجود)

منبع: نگارنده

روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از شیوه تحلیلی توصیفی و روش فراتحلیل گفتمان‌های حاکم و تحولات پارادایمی در حوزه‌های دموکراسی و نظریه برنامه‌ریزی بررسی شده است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که در مطالعه موردی از روش ارزیابی فرایند (نظریه)، درونداد (طرح) و برآمد استفاده شده است. مرزهای پژوهش از لحاظ مکانی حوزه شهرسازی ایران و جهان و از لحاظ موضوعی طرح‌های توسعه شهری مستخرج از نظام برنامه‌ریزی ایران بوده که در سه مرحله فرایند تهیه^۲ طرح و اجرا^۳ و نتایج^۴ مورد ارزیابی قرار گرفت. در همین راستا سند طرح جامع شهر مهاباد مورد آزمون و

1 E-Democracy

2 Planning Process

3 Plan & Implementation

4 Outcomes

تحلیل قرار داده شد. روش‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق عمدتاً مبتنی بر روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای (بررسی متون شامل کتاب‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی و محتوای مطالب) و بررسی اسناد و مدارک مربوط به مطالعات سند طرح جامع مهاباد، اسناد و مدارک مربوط به مصوبه‌های شورای اسلامی شهر مهاباد (در چند دوره قبل و فعلی) و نیز روش‌های میدانی شامل مشاهده، تهیه پرسشنامه و مصاحبه نیز استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق شهر مهاباد واقع در استان آذربایجان غربی است. نمونه‌گیری تحقیق نیز بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفته و نخست ۵۰ نفر از ذی‌نفعان و کارشناسان مرتبط با طرح‌های توسعه شهر مهاباد به منظور شناسایی رویه‌های موجود انتخاب و فرایند مصاحبه و پرسش انجام گرفته است. گروه دوم شامل ۲۵ نفر از مدیران شهری و گروه سوم ۱۴۰ نفر از شهروندان شهر مهاباد به طور تصادفی انتخاب شده‌اند. همچنین داده‌های به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در بخش استنباطی نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS، به بررسی نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کلموگروف اسمیرنوف پرداخته شد و سپس برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی استیودنت و تحلیل واریانس استفاده شده است.

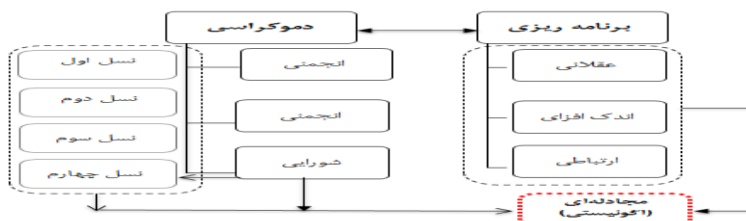
تحلیل یافته‌های پژوهش

به منظور ارزیابی جامع نظام برنامه‌ریزی ایران و سنجش میزان همگرایی با رویه‌های دموکراتیک در سه سطح به تحلیل یافته‌های این پژوهش پرداخته شده است.

سطح اول: ارتباط برنامه‌ریزی و دموکراسی از منظر فلسفی و نظریه‌ای

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از هم‌پوندی تئوریک مفاهیم برنامه‌ریزی و دموکراسی در حوزه شهرسازی است. به طوری که دموکراتیک بودن، در قلب مفهوم و پدیده برنامه‌ریزی قرار دارد. برنامه‌ریزی نمی‌تواند دموکراتیک نباشد. لذا می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و دموکراسی دو مفهوم همبسته و هم‌زمان هستند، که ارتقای یکی موجب ارتقای دیگری خواهد شد.

نمودار ۱. تطور پارادایمی در نظریه‌های دموکراسی و برنامه‌ریزی



بر همین اساس سعی شده است تا فلسفه حاکم بر طرح‌های جامع شهری در ایران (در حال حاضر نظریه ساختاری-راهبردی) با بنیان‌های فکری نظریه هایدموکراتیک و به‌ویژه نظریه‌های ارتباطی و آگونستی مقایسه و تحلیل شود (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه ویژگی‌های نظریه پشتیبان طرح‌های توسعه شهری ایران با بنیان‌های دموکراتیک نظریه برنامه‌ریزی

آگونستی

نظریه برنامه‌ریزی آگونستی	نظریه برنامه‌ریزی ساختاری-راهبردی	نظریه ویژگی
دموکراسی شورایی، نظریه آگونسیسم	دموکراسی انجمنی، نسبت‌گرایی	مبانی فکری و اجتماعی
مشروعیت و شمولیت توسعه انسان‌محور ارتباطات جمعی و مجادله‌ای	ایجاد تعادل میان روندهای اصلی توسعه کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأمین منافع عمومی	اهداف کلان
طرح جامع دموکراتیک، طرح‌های ارتباطی فضامند	طرح جامع، تفصیلی، موضوعی، موضعی	الگوی طرح‌های توسعه
محوریت گفت‌وگو نهادی و مردمی، محوریت خرد جمعی و اجماع برآمده از خلق فرصت برابر و فضای رقابت طیف‌های مختلف ذی‌نفعان منتقد شهری	محوریت بخشی- نهادی منتصب به دولت مرکزی محوریت برنامه‌های مصوب مشاورین طرح و شوراهای شهر	رویه اجرایی
برآیند گفت‌وگو موافقان و معارضان صحنه گذاشتن بر مخالفت و اعتراض، برابری سیاسی و قوت جامعه مدنی	نمایندگان منتسب به مردم	منشأ مشروعیت
توزیع دموکراتیک قدرت بر مبنای تکثر مدنی ایجاد نهادهای شورایی برای گذار از شهروند معمولی به شهروند فعال	توزیع غیر دموکراتیک قدرت	تمرکز یا توزیع قدرت
نظارت‌های مدنی و نهادی- جریان یافتن تصمیم‌سازی‌ها در بطن جامعه	کار سازمانی و تشکیلات بخشی نظام برنامه‌ریزی	ابزارهای نظارت بر برآمد برنامه

منبع: یافته‌های تحقیق.

سطح دوم: مقایسه ویژگی‌های سند طرح جامع مهاباد در انطباق با رویه‌های دموکراتیک

در این بخش سعی شده است تا به تحلیل بین برنامه‌های توسعه شهری در ایران (سند طرح جامع شهر) با اصول پایه نظریه هایمبنتی بر رویه‌های دموکراتیک (ارتباطی و مجادله‌ای) پرداخته و ویژگی‌های مرتبط در سه حوزه اصلی تهیه برنامه‌های شهری شامل: (۱) سازوکار سیستم‌های شهری، (۲) محتوای فرایند تهیه برنامه شهری و (۳) رویه‌های تهیه برنامه شهری طبقه‌بندی و ارائه شود (جدول ۵). بر همین اساس شرح خدمات سند طرح جامع شهر مهاباد به‌عنوان نمونه‌ای از فرایندهای مشترک تهیه طرح‌های جامع در ایران با ویژگی‌های برنامه‌ریزی ارتباطی و مجادله‌ای مقایسه و امتیازبندی شده است. به‌طوری‌که هر بخش مختلف طرح‌های توسعه در یک طیف ۱ تا ۵ امتیازی دسته‌بندی شده و در مجموع آن بین صفر تا یک ارزش‌گذاری شده است.

جدول ۵. سنجش میزان همگرایی بخش‌های مختلف نظام برنامه‌ریزی از منظر نظریه‌های آگونیستی و ارتباطی

سند طرح جامع (مهاباد)	ویژگی‌های برنامه‌ریزی ارتباطی و مجادله‌ای	بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی
.23	عدم تمرکز قدرت میان نهادهای دولتی و پخشایش برابر قدرت میان نهادهای محلی	سازوکارهای سیستم برنامه‌ریزی شهری
.12	تغییر و پذیرش روش‌های نوین حکمرانی شهری	
.34	وجود روابط نهادی همکارانه میان نهادهای درگیر در فرایند برنامه‌ریزی	
.38	به‌کارگیری اصول یکپارچگی بین بخشی میان تمامی نهادهای درگیر	
.16	وجود فرایندهای یادگیری همکارانه متقابل میان نهادهای درگیر در فرایند برنامه‌ریزی شهری	
.08	وجود قانون لازم برای تصویب برنامه‌های شهری مبتنی بر رهیافت دموکراسی شورایی	
.31	وجود قوانین لازم در خصوص درگیر کردن شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی شهری	
.36	حرکت از برنامه کاربرد زمین به برنامه فضایی شهری	
.47	پایین‌به‌بالا بودن رهیافت برنامه‌ریزی شهری	
.11	تمرکز بر فرایند به‌جای تمرکز بر محصول در برنامه شهری	
.19	ارتقای سازوکارهای مشروعیت بخشیدن به برنامه‌های شهری	
.07	به رسمیت شناختن تمامی اشکال دانش در فرایند برنامه‌ریزی شهری	
.33	توزیع فضایی عادلانه فعالیت‌ها در سطح شهر به‌منظور ایجاد دسترسی برابر تمامی شهروندان	رویه‌های تهیه برنامه شهری
.21	توجه به اصول توسعه پایدار در برنامه‌های شهری	
.24	شمولیت و درگیری تمامی ذی‌نفعان در برنامه‌های شهری	
.57	تأکید بر حضور هم‌زمان نگرش بلندمدت و کوتاه‌مدت در فرایند تدوین برنامه	
.12	فراهم کردن زیرساخت‌های مجازی به‌منظور ارتقای دسترسی به اطلاعات شهری (E-Democracy)	
.36	پایش، نظارت و بازبینی مداوم برنامه شهری (Monitoring)	
.41	تدوین اهداف و راهبردهای برنامه به‌صورت مشارکتی	
.23	ایجاد بسترهای مجادله‌ای برای برنامه‌ریزان شهری به‌منظور ایفای نقش تسهیل‌گری خود در فرایند برنامه‌ریزی شهری	
26.45		میانگین امتیازات

منبع: یافته‌های تحقیق

سطح سوم: ارزیابی مراحل تهیه سند طرح‌های توسعه شهری (سند طرح جامع مهاباد)

در بررسی تهیه سند طرح جامع شهر مهاباد بر اساس شاخص‌ها و معیارهای چارچوب ارزیابی دموکراتیک، سه مرحله ارزیابی فرایند، برونداد و برآمد طرح تحلیل و نتایج آن در جداول زیر (جدول ۶) ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج استاندارد شده ارزیابی دموکراتیک در سه مرحله فرایند، پرونداد، برآمد طرح جامع

معیارها	شاخص	امتیاز استاندارد شده	
		فرایند Process	پرونداد Output
شور و مشورت	مشارکت	۰,۴۰	0.26
	ارتباطات جمعی - مجادله‌ای		
	فراگیری در اجتماع		
دسترسی	دسترسی به اطلاعات	۰,۶۶	۰,۴۰
	دسترسی به خدمات		
	دسترسی حمل و نقل		
شمولیت	دربرگیرنده همه ذی‌نفعان	۰,۳۳	۰,۲۶
	انعطاف برای گروه‌های مختلف اجتماع		
	انعطاف برای معترضان و نهادهای مخالف		
مشروعیت	همسویی با قوانین حاکم	۰,۴۶	۰,۴۰
	ارتباطات جمعی - مجادله‌ای		
	حقوق شهروندی		
هویت سیاسی	تابع نظام حکمرانی	۰,۴۶	۰,۲۶
	ارتباطات جمعی - مجادله‌ای		
	- شفافیت قوانین		
پایداری	پایداری زیست محیطی	۰,۴۰	۰,۱۳
	پایداری اقتصادی		
	پایداری قوانین		

منبع: یافته های تحقیق

نتایج به دست آمده در این جدول نیز از طریق تحلیل واریانس داده‌های مستخرج از سه مدل پرسشنامه مربوط به این پژوهش به دست آمده، به طوری که به ازای هر کدام از شاخص‌ها ۵ سؤال در مراحل مختلف فرایند، پرونداد و برآمد طرح شده و امتیازات آن به صورت نرمال اختصاص یافته است.

جدول ۷. نتایج استاندارد شده مراحل سه گانه طرح ساختاری راهبردی بر اساس چارچوب ارزیابی دموکراتیک

عملیاتی	شور و مشورت	دسترسی	شمولیت	مشروعیت	هویت سیاسی	پایداری	امتیاز میانگین	
							کل	درصد
فرایند	۰,۴	۰,۶۶	۰,۳۳	۰,۴۶	۰,۴۰	۰,۴۶	۰,۴۰	۶
خروجی	۰,۲۶	۰,۴۰	۰,۲۶	۰,۴۰	۰,۲۶	۰,۲۶	۰,۱۳	۶
برآیند	۰,۲۰	۰,۲۳	۰,۱۵	۰,۲۰	۰,۲۰	۰,۲۰	۰,۰۸	۶

منبع: یافته های تحقیق

در جدول شماره ۷ به جمع بندی امتیازات کسب شده در مراحل قبلی این پژوهش پرداخته شده است. همان طور که در جدول مشاهده می شود میزان انطباق برای مرحله فرایند برنامه ریزی در سند طرح جامع مهاباد ۴۵ درصد است که این مقدار در مراحل پرونداد و برآیند طرح به ترتیب ۲۸ درصد و ۱۷ درصد است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که شاید در مباحث نظری همسویی و همگرایی نسبی

با بنیان‌های دموکراتیک وجود داشته باشد اما این همسویی با روند اجرای طرح در نظام اجرایی آن کاهش چشم‌گیری داشته است. به طوری که عدم نظارت و انطباق بر طرح‌های تهیه‌شده نیز در این بین کاملاً مشهود است.

نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش ارائه شد پرداختن به فلسفه حاکم بر اندیشه برنامه‌ریزی در جهان با تمرکز بر پیوند برنامه‌ریزی و دموکراسی و تحلیل آن در ایران است. بر همین اساس در ابتدا به ارتباط بین دموکراسی و برنامه‌ریزی در سطح نظریه‌ای پرداخته شد تا سیر تکوین این دو مقوله در یک بستر همبسته تحلیل شوند. در مرحله بعد به بررسی چارچوب‌های ارزیابی طرح‌های توسعه شهری با رویکرد دموکراتیک پرداخته شد. سپس در یک چارچوب متناسب با اهداف پژوهش و مبتنی بر هنجارهای دموکراتیک سعی شد تا همگرایی طرح‌های توسعه شهری با دموکراسی به واسطه معیارهای مستخرج از نظریات اخیر برنامه‌ریزی ارتباطی و آگونیسیم در مراحل مختلف برنامه‌های توسعه شهری سنجیده شود. از طرفی چارچوب ارزیابی مورد استفاده در این پژوهش به صورتی انعطاف‌پذیر قابلیت توسعه و سازگاری با مقیاس‌های مختلف حکمرانی از لایه‌های خرد محلی تا سطوح آمایش ملی را دارا است. در همین راستا سعی شده است تا ماهیت روش ارزیابی این پژوهش بر اساس ترکیب چندین روش معتبر ارزیابی در مطالعات اجتماعی و تعدیل آن با سنجه‌های دموکراتیک در سطوح مختلف طراحی شود. بر همین اساس در سه سطح، اقدام به تحلیل سازوکارها و کنش‌های مربوط به برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه شهری در ایران از دریچه چارچوب ارزیابی دموکراتیک این پژوهش شده است.

در سطح اول با رجوع به تحولات نظریه برنامه‌ریزی و اندیشه برنامه‌ریزی‌های ارتباطی و مجادله‌ای به‌عنوان رویکردهای همسو با نظریه‌های دموکراسی نوین به کنکاش در بُعد فلسفی ارتباط بین برنامه‌ریزی و دموکراسی در سطح نظریه‌ای پرداخته شد و نشان داده شده که برنامه‌ریزی و دموکراسی نه تنها دو مفهوم همبسته هستند بلکه در یک بستر اتفاق افتاده و ارتقای یکی باعث ارتقای دیگری خواهد شد. در سطح دوم به تفاوت‌های اساسی ویژگی‌های ذاتی برنامه‌ریزی در ایران در همسویی با ماهیت دموکراتیک نظریه‌های مذکور در حوزه شهرسازی پرداخته شده، که بر همین اساس سه بخش نظام برنامه‌ریزی شامل (۱) سازوکار سیستم‌های شهری، (۲) محتوای فرایند تهیه برنامه شهری و (۳) رویه‌های تهیه برنامه شهری، تحلیل شده و نتایج آن حاکی از عدم همسویی ریشه‌ای با بنیان‌های نظریه متأخر دموکراسی شورایی است. در سطح سوم با ارزیابی طرح‌های توسعه شهری (در این پژوهش سند طرح جامع مهاباد به‌عنوان نمونه‌ای از روند تهیه طرح‌های توسعه شهری با شرح خدمات همسان در ایران) در سه مرحله فرایند، درونداد و برونداد شدت و همگرایی شاخص‌های دموکراتیک در مراحل مختلف سنجیده شده است. یافته‌های تحقیق به‌وضوح عدم همسویی رویه‌های موجود با ماهیت دموکراتیک عمل برنامه‌ریزی را نشان می‌دهد. به عبارتی برنامه‌ریزی و دستیابی به دموکراسی در سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی ایران اتفاق نیفتاده است. لذا می‌توان عنوان کرد که در ساختار نظام برنامه‌ریزی

ایران نه تنها در سطح نظری تداوم و ارتباطی با انگاره دموکراسی به وجود نیامده، بلکه تاکنون تناسبات بین تحولات نظریه‌ای برنامه‌ریزی و خواست عمومی در طرح‌های توسعه شهری منعکس نشده است و از این منظر ظرفیت‌های دستیابی به وفاق و مشارکت سازنده در سازوکارهای جامعه شهری را نداشته است. از این رو با کاربست نظریه برنامه‌ریزی آگونستی به‌عنوان فرایندی مردم‌نهاد و دموکراتیک، همسویی با بنیان‌های فلسفی آن و درعین حال انطباق و بومی‌سازی آن با الگوی نظام برنامه‌ریزی ایران، را می‌توان محرکی برای شکل‌گیری اجماع و کاستن سایه‌های قدرت که روایت تازه‌ای از تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی در ایران را نوید می‌دهد، عنوان کرد.

منابع

- افتخاری رکن‌الدین، بهزاد نسب جانعلی (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی ارتباطی رویکردی انتقاد. *فصلنامه مدارس علوم انسانی*. دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۳۲)، صفحه ۱ تا صفحه ۲۲.
- پویا نقش شهر و بنا مهندسین مشاور (۱۳۹۰). *طرح جامع شهر مهاباد* (سند طرح جامع شهر مهاباد).
- ترکمه آیدین (۱۳۹۴). *تبیین ارتباط بین برنامه‌ریزی و دموکراسی در ایران*. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- رورتنی ریچارد (۱۳۸۵). *پیشامدها، بازی و همبستگی*. ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- زیستا مهندسین مشاور (۱۳۷۲). *طرح ارزیابی جامع شهری ایران* (مراغه، اراک، یزد، بندرعباس، شیراز، زاهدان، رشت)، تهران: سازمان برنامه‌بودجه.
- شارمند مهندسین مشاور (۱۳۷۹). *شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری*. جلد سوم. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- عبادی محمدحسین، رضایی محمدجواد (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی جایگاه نظارت و ارزیابی در برنامه‌ریزی توسعه ایران*. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*. سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۷ / صفحه ۲۳-۱.
- وحیدی گلدیس، نوریان فرشاد، عزیزی مهدی (۱۳۹۶). *شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌ای*. *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*. ۱ (۲۲).
- نفیسی مشرف (۱۳۲۶). گزارش برنامه هفت ساله ی قبل از انقلاب. انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

Agger, A., & Löfgren, K. (2006). How Democratic are Networks Based on Citizen Involvement? A Framework for Assessing the Democratic Effects of Networks. Roskilde: Roskilde Universitet.

Allmendinger, Phillip, and Tewdwr Mark Jones. (2002) *Planning Futures: new Direction for Planning Theory*. London: Routledge.

Amos, F.J. (1986) *Plans, Policies and Pragmatism. A Review of the Century of Physical Planning*. *Habitat Int.* 10(4), 135-146.

Azizi, M. (1995) The provision of urban infrastructure in Iran: an empirical evaluation. *Urban Studies* 32(3), 507-522.

Bäcklund, P., & Mäntysalo, R. (2010). Agonism and institutional ambiguity: Ideas on democracy and the role of participation in the development of planning theory and practice – the case of Finland. *Planning Theory*, 9(4), 333-350

Chambers, S. (2009). "Rhetoric and the Public Sphere: Has Deliberative Democracy Abandoned Mass Democracy?" *Political Theory*, 37(3): 323-350.

Dryzek, J. (2010). *Foundations and Frontiers of Deliberative Governance*. Oxford University Press.

- Elstub, S. (2010). "The Third Generation of Deliberative Democracy" *The Journal of Political Studies Review*, Volume: 8 issue: 3, page(s): 291-307 Article first published online: June 8, 2010; Issue published: September 1, 2010, *Environment and planning B: planning and design*, 24(6), 881-888.
- Faludi, A. (1973) *A Reader in Planning Theory*, Oxford: Pergamon.
- Flyvbjerg, B. (1998). *Rationality and power. Democracy in practice*. Chicago, IL: The University of Chicago Press.
- Gunder, M. (2003). 'Passionate Planning for the Others' Desire: An Agonistic Response to the Dark Side of Planning', *Progress in Planning* 60(3): 235-319
- Hanberger, A. (2006). 'Evaluation of and for Democracy' in *Evaluation* Vol. 12 (1):17- 37
- Hillier, J. (2002). *Shadows of Power*. London: Routledge.
- House, E. R., & Howe, K. R. (2000). *Deliberative Democratic Evaluation Checklist*. Retrieved from Innes, J., & Booher, D. (2000). *Planning Institutions in the Network Society: Theory for Collaborative Planning*. In Sallet, W and Faludi, A (eds); *The Revival of Strategic and Spatial Planning*. Amsterdam
- King, L.A (2003). *Deliberation, Legitimacy, and Multilateral Democracy*, *The Journal of Governance*. (16)1, 23-50
- Knutsen, CH (2010) *Investigating the Lee Thesis: How bad is democracy for Asian economies*. *European Political Science Review* 2(3): 451-473.
- Laurian, L., & Shaw, M. M. (2009). *Evaluation of public participation: the practices of certified planners*. *Journal of Planning Education and Research*, 28(3), 293-309
- Lindblom, C. E. (1959). *The science of muddling through*. *Public Administration Review*, 19(2), 79-88. doi:10.2307/973677
- Mansbridge, J.; Bohman, J.; Chambers, S.; Christiano, T.; Fung, A.; Parkinson, J.; Thompson, D. and Warren, M.E. 2012. "A Systemic Approach to Deliberative Democracy." In *Deliberative Systems – Deliberative Democracy at the Large Scale*, 1-26. Cambridge: Cambridge University Press
- Mäntysalo R, Rajaniemi J (2003) *Vallan ulottuvuusia maankäytön suunnittelussa*. *Synteesi* 22(3): 117-136.
- Mäntysalo, R. (2005). "Approaches to Participation in Urban Planning Theories", Diploma workshop in Florence.
- Mastop, H., & Needham, B. (1997). *Performance studies in spatial planning: the state of the art*.
- Mendonça, R.F. 2008. "Representation and Deliberation in Civil Society." *Brazilian Political Science Review*, 2(2): 117-137.
- Mouffe, Chantal (2000). *Deliberative Democracy or agonistic pluralism*, institute fur Hoherstudien (Ihs), Wien institute for advanced studies, Vienna
- Mouffe, Chantal (2007). 'Artistic activism and agonistic space', *Art and research, a journal of ideas, context and Methods*, Vol. 1, No. 2.
- Niemenmaa V (2005) *Helsingin paikallisagenda. Tarina suunnittelun subjektiivisuudesta ja osallistumisesta*, Espoo: Yhdyskuntasuunnittelun tutkimus- ja koulutuskeskuksen julkaisuja A 31.
- Oliveira, V and Pinho, P. (2010). *Evaluation in Urban Planning: Advances and Prospects*, *Journal of Planning Literature* 24(4) 343 -361
- Parkinson, J. (2006) "Holistic Democracy and Physical Public Space" *British Journal of Political Science Conference*, London, British Academy.
- Pløger, J. (2004). *Strife: Urban planning and agonism*. *Planning Theory* 3(1): 71-92.
- Purcell, M. (2009). *Resisting neoliberalization: communicative planning or counter-hegemonic movements?* *Planning Theory Journal*, Vol 8(2): 140-165
- Ricoeur P. (1976). *Interpretation theory, discourse and surplus of meaning*. Fort Worth: University of Texas Press.
- Sager T (1994) *Communicative Planning Theory*. Aldershot: Avebury.
- Stevens, M.R. (2013) *Evaluating the Quality of Official Community Plans in Southern British Columbia*. *J. Plann. Educ. Res.* 33(4), 471-490
- Thompson, D. (2008). *Deliberative Democratic Theory and Empirical Political Science*. *Annual Review of Political Science*, 11: 497-520.